

تأمین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل با تأکید بر گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه

علیرضا معینان^۱

دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد گرمسار دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

ناهد برومند

مریبه گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

علی همتی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

رضا پیوندی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

چکیده

بی‌شک حیات گروه‌های تروریستی در همه مناطق جهان در گروه حمایت‌های مالی پیدای و نهانی است که از سوی منابع دولتی و غیردولتی روانه آن‌ها می‌شود. سواى شناخت جزئیات و نحوه انجام این مسئله موضوعی که در حوزه مبارزه با تروریسم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است نگاه حقوق بین‌الملل به موضوع تأمین مالی تروریسم است. هدف این مقاله تحلیل و بررسی جرم تأمین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل با تأکید بر گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که در حقوق بین‌الملل تأمین مالی گروه‌های تروریستی مانند مورد داعش در سوریه و عراق چگونه نگریسته شده است؟ فرضیه پژوهشگران تحقیق حاضر این است که در حقوق بین‌الملل ایجاد کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و صدور قطعنامه‌های مختلف به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت سازمان ملل نشان می‌دهد که موضوع مورد بررسی این مقاله مورد توجه کشورها و نهادهای حقوقی بین‌المللی قرار داشته است. نتایج این مقاله نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی در زمینه ممانعت از تأمین مالی تروریسم اما فعالیت گروه تروریستی داعش گویای این حقیقت است که رصد، کنترل و مبارزه با پدیده تأمین مالی که بی‌شک نقش اساسی را در گسترش اقدامات گروه‌های تروریستی دارد بایستی به شکل دقیق‌تر و وسیع‌تری از سوی نهادهای بین‌المللی و با همکاری نزدیک با دولت‌های ملی انجام شود.

کلیدواژه‌گان: تروریسم، حقوق بین‌الملل، داعش، عراق، سوریه.

^۱. نویسنده مسئول مقاله (alirezamoienian@gmail.com)

مقدمه

تروریسم بین‌المللی به اعمال تروریستی که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین‌المللی انجام می‌شود اطلاق می‌گردد (والترز، ۱۳۸۲). به عبارتی دیگر تروریسم بین‌المللی عبارت است از اعمال ترور و خشونت فردی یا جمعی که یک عنصر بین‌المللی (قربانی و مرتکب، شهروندان دولت‌های مختلف باشند، یا این‌گونه رفتارها در بیش از یک کشور رخ دهد) یا یک هدف مورد حمایت بین‌المللی (مثل غیرنظامیان خارجی هوایماهای غیرنظامی و کارکنان سازمان‌های بین‌المللی) را در برگیرد و مقصود از آن نیل به نتیجه‌ای قدرت طلبانه (نتیجه‌ای که هدف آن تغییر یا حفظ ساختارها یا سیاست‌های فعال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یک دولت یا سرزمین مشخص است) باشد (سجادپور، ۱۳۸۲). پس در تروریسم بین‌المللی، محدوده عمل تروریستی گسترش می‌یابد و از سطح یک دولت ملی فراتر می‌رود و وارد عرصه بین‌المللی می‌شود. ممکن است اقدامات تروریستی، در بیش از یک کشور رخ دهد و یا اینکه تروریستی با تابعیت خاص عنصری با تابعیت دیگری را مورد هدف قرار دهد (گل‌محمدی، ۱۳۹۳). تروریسم که در زبان فارسی از آن با عنوان وحشت‌افکنی، ارباب‌گری نام برده شده است، به استفاده از خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی، یا ایدئولوژیک گفته می‌شود، تروریسم استفاده غیرقانونی از خشونت یا ارباب‌گری است، به خصوص بر علیه غیرنظامیان، برای دنبال کردن اهداف سیاسی است (سجادی، ۱۳۹۳). البته، در جهان امروزی، تعریف دقیقی از واژه «تروریسم» در دست نیست. در روزگار نوین، تروریسم یکی از عوامل اصلی تهدید جامعه به شمار می‌رود و طبق قوانین ضد تروریسم در بیشتر کشورهای جهان توسط سیستم قضایی، بزه به حساب می‌آید. همچنین چنانچه در جنگی علیه غیر جنگجویان مانند شهروندان عادی، نیروهای بی‌طرف یا اسیران جنگی به کار گرفته شده باشند جنایت جنگی به حساب می‌آید. بخش گسترده‌ای از سازمان‌های سیاسی مانند گروه‌های چپی تا گروه‌های راستی، ملی‌گرایان، گروه‌های مذهبی، انقلابیون و حتی دولت‌های حاکم برای پیشبرد اهداف خود از تروریسم استفاده نموده‌اند (زینالی، ۱۳۸۸).

یافته‌های گزارش «شاخص جهانی تروریسم» نشان می‌دهد که ۱۰ هزار حمله تروریستی در سال ۲۰۱۳ انجام شده که نسبت به سال ۲۰۱۲، ۴۴ درصد بیشتر شده است (توحید فر، ۱۳۸۰). این گزارش که توسط مؤسسه اقتصاد و صلح تهیه شده می‌گوید که در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۸ هزار نفر در اثر حملات تروریستی جان خود را از دست داده‌اند که هشتاد درصد (۱۴ هزار و ۷۲۲ نفر) آن‌ها در کشورهای عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و نیجریه قربانی شده‌اند (آشناگر، بی‌تا). بنابراین گزارش، عراق با ۶ هزار و ۳۶۲ قربانی (بیش از یک‌سوم کل کشته‌ها)، بزرگ‌ترین قربانی حملات تروریستی بوده و گروه‌های داعش، القاعده، بوکو حرام و طالبان مسئول بیشترین کشتارها بوده‌اند. جنگ داخلی سوریه که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، بیشترین تأثیر را در افزایش حملات تروریستی داشته است (زراعت، ۱۳۹۱).

فرهنگ علوم سیاسی در مورد تروریسم دولتی چنین می‌گوید، سیاست تهدید و مداخله خشن و قهرآمیز یک دولت در امور دولت‌های دیگر و تخلف از قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد. استراتژی تروریسم دولتی، شکل افراطی اعمال روش‌های خشونت، تهدید و باج سبیل در حوزه‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک است. ویلیام دی پردیو، در سال ۱۹۸۹ در اثر خود به نام تروریسم و دولت، ویژگی‌های تروریسم دولتی را با شرح زیر بیان کرده است:

- اقدامات سیاسی یک دولت نسبت به مردمش برای اعمال سلطه از طریق ایجاد وحشت که ممکن است از راه کنترل مطبوعات و رسانه‌ها، شکنجه‌ها و آزار، محاکمات غیرقانونی و غیرعادلانه، منع گردهمایی‌ها و اعدام‌های سریع تحقق یابد.

- حمله مسلحانه نیروی نظامی یک دولت به هدف‌هایی از دولت دیگر که در آن جان مردم به خطر افتد(گل محمدی، ۱۳۸۱).

- اشغال نظامی یک کشور، خواه به صورت کنترل مستقیم و خواه از طریق ایجاد پایگاه.

- عملیات سری و پنهانی یک دولت برای بی‌ثباتی یا ساقط کردن دولت دیگر.

- استفاده از مزدوران نظامی توسط یک دولت برای ساقط کردن حکومت کشور دیگر

- حمایت و پشتیبانی از دولت‌هایی که حق تعیین سرنوشت مردم را نفی می‌کنند.

- فروش اسلحه در جهت ادامه جنگ‌های منطقه‌ای.

- گسترش یا آزمایش تسلیحات دارای قدرت تخریبی زیاد که در تمام شرایط احتمالی موجب کشتار جمعی و تخریب محیط‌زیست می‌شود(اردبیلی، ۱۳۷۷).

تأمین مالی تروریسم به فعالیت‌هایی که حمایت مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند اطلاق می‌شود. دولتی که فهرستی برای سازمان‌های تروریستی دارد معمولاً قوانینی نیز برای جلوگیری از پول‌شویی پولی که صرف تأمین مالی این سازمان‌ها می‌شود تصویب می‌کند. تأمین مالی تروریسم برای اولین بار پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در نیویورک مورد اقبال جامعه جهانی قرار گرفت و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ملی سازمان ملل به سرعت پس از این حملات صادر شد(میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷).

رویکرد نظری

بر پایه فرهنگ لغات فرانسه که در سال (۱۷۹۶) به نشر سپرده شد؛ «ژاکوبن»ها گاهی در سخنان و نوشتارهای خود این اصطلاح را با برداشتی مثبت درباره خودشان به کار می‌بردند؛ اما از یازدهمین ماه تقویم انقلاب فرانسه، واژه «تروریست» به صورتی ناشایست و ناسزا درآمد که حکایت از یک عمل و فعل بزهکارانه داشت(مقتدر، ۱۳۷۶). چندی پس از آن، این واژه به دیکسیونر انگلستان وارد گردید. ادموند برک در نوشته خود در (۱۷۹۵) از هزاران درنده دوزخی که خود را تروریست می‌خوانند و به جان مردم افتاده‌اند؛ یاد کرده است(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶). در آن زمان منظور از تروریست، فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از (مارش ۱۷۹۳ تا ژوئن ۱۷۹۴) را در بر می‌گرفت و این واژه با «حکومت وحشت» هم معنا بود. پس از این دوره واژه تروریسم معنای گسترده‌تری یافت و در فرهنگ‌های لغت معادل وحشت و ترور تعریف و تبیین شد. در فرهنگ لغات فارسی ترور مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به وسیله‌ی اسلحه، در نوشتگان فارسی متداول شده است. تا زمان معاصر، اهراق به جای ترور بکار رفته و تروریسم اصل حکومت وحشت و فشار اصول حکومتی است که در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌گردد که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد(سواری، بی‌تا).

کمیسیون حقوق بین‌الملل هم بر این نظر است که:

تروریسم شامل همه فعالیت‌های جنایت‌کارانه‌ای می‌شود که علیه دولت ویژه‌ای انجام می‌شود و هدف آن ایجاد رعب و وحشت در ذهن دولت یا هر ارگانی از ترجمان‌های آن دولت یا گروه خاصی از آن است (صفاری، ۱۳۸۰). اولین تلاش‌ها برای ارائه تعریف از اقدامات تروریستی به کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو باز می‌گردد. (UN, 1972).
 کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو برای اولین بار مفهوم اقدامات تروریستی را به این شکل بیان کرده بود:
 اقدامات کیفری علیه یک دولت باهدف ایجاد وحشت در اشخاص و گروه‌های خاص و یا در سطح جامعه».
 (ماده اول، پاراگراف اول، (UN, 1972).

در حال حاضر ارائه‌ی تعریف جامع و فراگیر از تروریسم بین‌المللی همواره با دشواری همراه بوده است و این ابهام در تعریف، ایجاد سازوکارهای حقوقی بین‌المللی را نیز با دشواری همراه ساخته است (شریف، ۱۳۸۲). چراکه هیچ‌یک از معاهدات بین‌المللی نیز تعریف واحدی در این خصوص ارائه نکرده‌اند. علاوه بر این سازوکارهای حقوقی، سازمان ملل متحد اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و گزارش‌های متعددی در خصوص منع و سرکوب تروریسم منتشر کرده است. چنانچه از اسناد متعددی که در طول سال‌ها به‌وسیله بخش‌های گوناگون سازمان ملل متحد تهیه شده، پیداست، این سازمان نقش رهبری در مبارزه با تروریسم را برعهده گرفته است (صادقی حقیقی، ۱۳۸۳). به‌علاوه، مجامع و سازمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، اقداماتی را برای پیشگیری، مقابله و سرکوب تروریسم صورت داده‌اند که به تهیه، تدوین، تصویب و انتشار اسناد گوناگونی منتهی شده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰).

بر اساس اسناد بین‌المللی، به‌طور کلی برای اینکه رفتاری به‌عنوان تروریستی شناخته شود نیاز به وجود سه شرط دارد:
 ۱- احتمال کشتن یا حداقل آسیب بدنی شدید وجود داشته باشد. در حقوق اروپا حتی عملیاتی که موجب خساراتی مالی شود بدون این‌که خطر جانی داشته باشد نیز به‌عنوان عملیات تروریستی محسوب شده است، ۲- از طرف شخص یا سازمانی با طراحی قبلی و با هماهنگی و باهدف مشخص صورت گرفته باشد. ۳- هدف از اقدام، ایجاد ترس و وحشت میان اشخاص، گروه‌ها و مردم یک کشور خاص باشد ۴- در مجموع در اصطلاح سیاسی یا حقوقی، تروریسم عبارت است از کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دست‌یابی به یک هدف سیاسی (طیبی فرد، ۱۳۸۴).

مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی که به‌موجب آن‌ها کشورها متعهد و مکلف به مبارزه با تروریسم می‌شوند، عبارت‌اند از ۱. کنوانسیون‌های حقوقی ضد تروریسم ۲. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ملل متحد؛ ۳. مراجعه به اصل مسئولیت بین‌المللی

-کنوانسیون‌های حقوقی ضد تروریسم. جامعه بین‌المللی با آگاهی از خطرهای تروریسم، اقدامات متعددی را در مقابله با تروریسم، انجام داده است. یکی از این اقدامات، تصویب کنوانسیون‌های حقوقی ضد تروریسم در مورد ابعاد مختلف تروریسم بین‌الملل بوده است (ایگلسیاس برلانگا، ۱۳۸۹). چنانچه کنوانسیون‌های ضد تروریسم مصوب سازمان‌های بین‌المللی، اعمال تروریستی مختلف را تعریف و از آن‌ها به‌عنوان جرائم بین‌المللی یاد می‌کنند که عبارت‌اند از: کنوانسیون توکیو (۱۹۶۳) کنوانسیون لاهه (۱۹۷۰)، در خصوص سرکوب و تصرف غیرقانونی هواپیما، - کنوانسیون مونترال (۱۹۷۱) در مورد جلوگیری از اعمال غیرقانونی بر ضد امنیت هوایمایی کشوری،- پروتکل مقابله با اعمال خشونت‌بار غیرقانونی در فرودگاه‌های مورد استفاده هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی،- کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی دریانوردی،-کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری تروریستی،-کنوانسیون

بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم که کشورها را ملزم به تدوین قوانین داخلی برای مبارزه با جرائم تعریف شده در این کنوانسیون‌ها می‌نمایند (بشیر، ۱۳۹۰). در مجموع آنچه مشخص است، کنوانسیون‌های ضد تروریسم از دولت‌های عضو می‌خواهند که در تعقیب و مجازات متهمین با توجه به مکانیسم پیش‌بینی شده در آن‌ها، همکاری لازم را به عمل آورند و به نحوی رفتار کنند که هیچ مکان امنی برای تروریست‌ها وجود نداشته باشد. در این کنوانسیون‌ها، به صراحت به ممنوعیت، هرگونه همکاری و حمایت از تروریسم تأکید شده است که بعضاً هریک از این کنوانسیون‌ها با توجه به موضوعی که دربرمی‌گیرند، می‌توانند به‌عنوان راهگشایی، در پیگیری حقوقی و بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از فعالیت آزادانه‌ی تروریست‌ها، مؤثر واقع شوند (بریسک، ۱۳۹۰).

–قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت

به‌موجب ماده ۲۴ منشور، اعضای ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده‌اند. از آنجا که تروریسم از کلیدی‌ترین عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، به دنبال حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر، جامعه بین‌المللی مسئله مبارزه با آن را در رأس اقدامات خود به‌منظور حفظ صلح و امنیت جهانی قرارداد، به همین خاطر، این شورا، تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ در مورد تهدیداتی که به‌واسطه عملیات تروریستی متوجه صلح و امنیت بین‌المللی شده را در راستای مبارزه‌ای قاطع با تروریسم تلقی نمود. شورای امنیت در این قطعنامه از کلیه دولت‌های جهان درخواست نموده است که در جهت پیشگیری از اقدامات تروریستی و سرکوب آن باهم همکاری نمایند و در این خصوص به شورای امنیت گزارش دهند (توحیدی‌فرد، ۱۳۸۰).

در بررسی و مطالعه‌ی قطعنامه ۱۳۷۳، می‌توان دو جنبه از تلقی شورای امنیت نسبت به تروریسم را دریافت؛ اول: شورای امنیت طی بند سوم قطعنامه ۱۳۷۳، هر نوع عمل تروریستی بین‌المللی را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی توصیف می‌کند. تصمیماتی که شورای امنیت در این اوضاع و احوال اتخاذ می‌نماید، به‌موجب مواد ۲۵ و ۴۸ منشور برای تمامی کشورهای عضو ملل متحد امری و الزام‌آور است (جاوید، ۱۳۸۸). دوم: اقدامات دسته‌جمعی که شورای امنیت در واکنش به تروریسم (به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی) تجویز می‌کند، مستلزم اقدام کشورها علیه اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و دارایی آن‌هاست. این قطعنامه ناظر بر پیشگیری، تعقیب و مجازات هرگونه تأمین مالی تروریسم است. به‌طور مثال در مورد انسداد دارایی تروریست‌ها، هیچ فهرستی از اشخاص حقیقی یا حقوقی ضمیمه قطعنامه نگشته است بلکه در این قطعنامه به‌طور کلی مقرر شده دارایی تروریست‌ها باید مسدود گردد (جلالی و مقامی، ۱۳۸۹).

به‌طور خلاصه تعهدات دولت‌ها در قطعنامه ۱۳۷۳ را به ۴ بخش زیر تقسیم نمود: ۱- جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم؛ ۲- الزام دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر؛ ۳- مقابله با تأمین مالی تروریسم؛ ۴- عدم پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم (حسین‌خانی، ۱۳۸۹).

بر این اساس، صدور قطعنامه ۱۳۷۳ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحولی اساسی و رویکردی نوین در زمینه مبارزه با تروریسم و حفظ صلح و امنیتی بین‌المللی محسوب گردید؛ و ایران می‌تواند، تعهدات چهارگانه الزامی دولت‌ها که در قطعنامه ۱۳۷۳ آمده و اشاره گردید را به حامیان مستقیم و غیرمستقیم تروریست‌های تجزیه‌طلب یادآوری نماید (رضوی‌فرد، ۱۳۹۰).

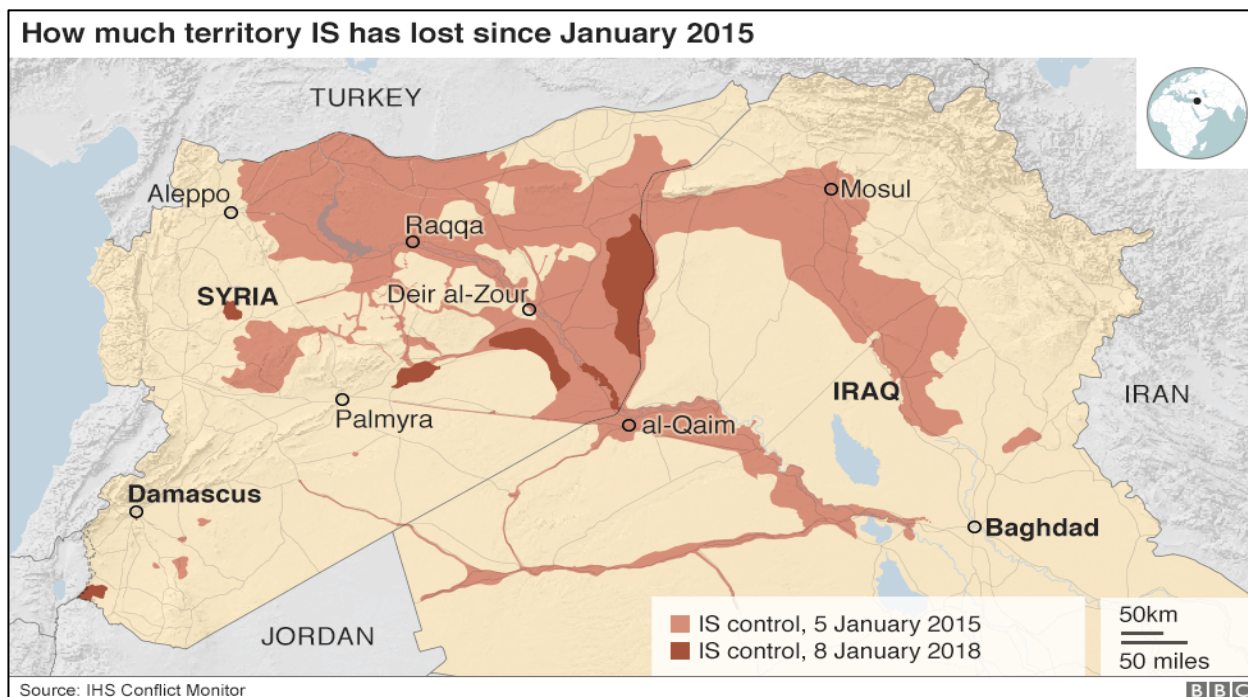
برای جلوگیری از فعالیت آزادانه‌ی گروه‌های تروریستی ضد ایرانی در دیگر کشورها، می‌توان به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی شورشگران مسلح و تروریست‌ها و وضعیت انتساب اقدامات جریان تروریستی و شورش‌گر به دولت‌های حامی آن‌ها و نیز تخلفات بین‌المللی دولت‌های حامی تروریسم، اشاره نمود (رمضانی‌فرانی، ۱۳۸۹). اگر دولتی، گروه‌های مسلح را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه دولت‌های خارجی اجیر کرده و به نحوی از انحنای مختلف از گروه‌های مسلح معارض حمایت کند، مسئول عمل فوق خواهد بود با سیری در منابع و قوانین و مقررات بین‌المللی و همچنین عرف بین‌المللی در خصوص مبارزه فراگیر با پدیده تروریسم دولت‌ها دو وظیفه کلی و عام دارند که باید بدان پایبند باشند که این دو وظیفه عبارت‌اند از: پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع جرم و خسارت؛ و تعقیب و مجازات مظنونین و مرتکبان جرائم، بالاخره به رسمیت نشناختن گروه‌های تروریستی مسلح معارض علیه دیگر کشورها به اسم مخالف با اغراض سیاسی و توجیه همکاری با آنان بر این اساس مهم‌ترین راهکار جهت تبیین مسئولیت عینی دولت‌ها در قبال مسئولیت آن‌ها در خصوص گروه‌های تروریستی و بالطبع مسئولیت کیفی رهبران عالی‌رتبه سیاسی آنان است (ساعد، ۱۳۸۹). براین اساس می‌توان گفت که اقدامات فاجعه‌بار تروریستی گروه‌ها تروریستی در قتل‌های بی‌هدف، تخریب اماکن نظامی و غیرنظامی و ارباب و کشتار نظامیان و غیرنظامیان، مصادیق روشنی از تجاوز و جرائم علیه بشریت هستند که علاوه بر ایجاد مسئولیت برای خود آن گروه‌ها، حامیان تسلیحاتی و مالی این گروه‌ها را نیز از نظر حقوق بین‌الملل و مقررات عام الشمول بشردوستانه دارای مسئولیت می‌نماید. به عبارت دیگر هرگونه تجهیز مالی و تدارکاتی گروه‌های شورشی و تروریستی، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی آن‌ها بوده، تجاوز و تخلفات بین‌المللی محسوب می‌گردد (ساعد، ۱۳۸۹).

محیط مورد مطالعه

حکومت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش یک گروه اسلام‌گرای تندرو و پیرو آموزه وهابی از اسلام سنی است. این گروه از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرد و خود را حکومت اسلامی نامید. همچنین زمانی بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه را با جمعیت‌های ۲۰۸ و ۸ میلیون نفر و بخش‌های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان به تصرف خود درآورده بود (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰). این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدین سلفی جداشده از شبکه القاعده تأسیس شده و با دولت‌های عراق، سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است. داعش یکی از تندروترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه بود. این گروه علاوه بر عراق و سوریه بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود درآورد. گروه‌های هم‌پیمان داعش در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز فعال هستند (مولایی، ۱۳۸۱). ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرد و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار، وسیع‌ترین استان عراق، محسوب می‌شد. در ۱۳ اکتبر همان سال، مجلس شورای مجاهدین به همراه چند گروه شورشی دیگر «حکومت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابویوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی حکومت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آن‌ها شد (ساعی و معصومی، ۱۳۹۰).

با آغاز جنگ داخلی سوریه نیروهای حکومت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «حکومت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آن‌ها به سرعت، بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کردند و شهر رقه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس هم‌زمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کردند و موفق شدند رمادی و فلوجه مهم‌ترین شهرهای استان انبار در عراق را به قلمرو خود اضافه کنند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهم‌ترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به دست آمد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۹).

نقشه ۱: قلمرو داعش تا سال ۲۰۱۵ میلادی در عراق و سوریه



منبع: (<https://www.theatlantic.com>)

گروه در ماه‌های بعد نیز پیشروی‌های زیادی داشت و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمال غربی عراق را در تصرف خود درآورد. داعش در این دوره بخش‌هایی از متصرفات خود را نیز از دست داد و از جمله شهر مهم تکریت را در فروردین ۱۳۹۴ به ارتش عراق و نیروی شبه‌نظامی حشد شعبی که برای جنگ با این گروه تشکیل شده بود، واگذار کرد بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ میلادی مناطق یکی پس از دیگری از داعش پس گرفته شد داعش در سال ۲۰۱۵ کنترل شهرهای سنجار و رمادی را از دست داد. ژوئیه ۲۰۱۷ میلادی موصل آزاد شد و دسامبر همان سال بغداد پیروزی بر داعش را اعلام کرد. اکتبر سال ۲۰۱۷ نیروهای دموکراتیک سوریه داعش را از رقه بیرون راندن (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷).

این گروه پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده و ابوبکر بغدادی رهبر گروه را نیز به عنوان خلیفه معرفی کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را گسترش داد (از جمله این اقدام‌ها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، برگزاری گشت‌های گردشگری بود) (عاملی، ۱۳۸۹).

بر اساس تحقیق سال ۲۰۱۵ سازمان Financial Action Task Force پنج منبع مالی عمده حکومت اسلامی عراق و شام، به ترتیب به شرح زیر است:

منابع مالی که با اشغال سرزمین‌ها به دست می‌آید مثل کنترل بانک‌ها، ذخایر نفت و گاز، مالیات، اخاذی و سرقت از منابع سرمایه‌ای

گروگان‌گیری برای دریافت پول

اعانه‌هایی که از طریق سازمان‌های غیرانتفاعی دریافت می‌شود

حمایت‌های مالی و تجهیزاتی که جنگجویان خارجی فراهم می‌کنند

دریافت سرمایه از طریق شبکه‌های ارتباطی مدرن (عامری، ۱۳۸۹).

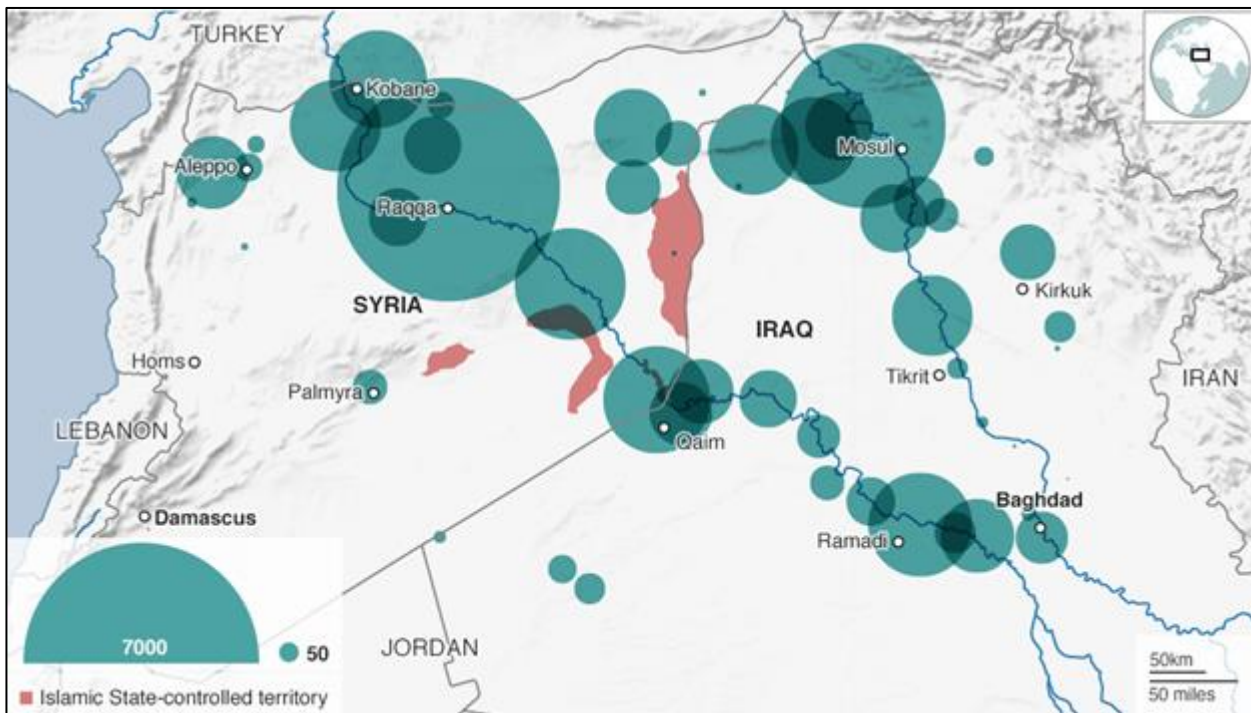
وزارت خزانهداری آمریکا برآورده کرده که در سال ۲۰۱۴ داعش حدود ۱۰۰ میلیون دلار نفت خام و محصولات پتروشیمی به واسطه‌ها فروخته که آن‌ها هم آن را به ایران و ترکیه قاچاق کرده‌اند یا به دولت سوریه فروخته‌اند. درآمد این گروه از طریق باج‌گیری برای آزادی گروگان‌ها هم در این سال دست‌کم ۲۰ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین مالیات‌ها و عوارضی که از مردم ساکن در مناطق تحت کنترل حکومت اسلامی گرفته می‌شد منبع درآمد دیگری برای این گروه بود. دولت اسلامی از حمله به بانک‌ها، غارت و فروش عتیقه و فروش یا نظارت بر فروش دام و غله هم پول درمی‌آورد. همچنین با دریافت جزیه از مسیحیانی که در این مناطق زندگی می‌کردند و ربودن و فروختن دختران و زنان به‌عنوان برده جنسی هم پول درمی‌آورد. هزاران زن و دختر عضو اقلیت مذهبی ایزدی بعد از تصرف سنجار در شمال عراق برده شدند و در بازار به فروش رسیدند (عزیزی، ۱۳۹۰).

داعش در ابتدا منطقه وسیعی از سوریه و عراق را در اختیار داشت و هدف آن در قدم اول، تصرف تمام عراق و منطقه شامات بود؛ اما شبه‌جزیره عربستان و شمال آفریقا و اندلس تا خراسان بزرگ نیز در نقشه ترسیمی آن‌ها وجود داشت. گروه در نهایت متصرفات خود را از دست داد. داعش نخستین بار در خلال جنگ داخلی سوریه اعلام موجودیت کرد. این گروه با دیگر معارضان مسلح و گروه‌های جهادی مثل النصرة درگیر شد. سپس به عراق نیز وارد شد و فعالیت خود را به آنجا نیز گسترش داد (فلسفی، ۱۳۹۰). داعش در سوریه در اوایل سال ۲۰۱۴ متحمل شکست‌هایی در مقابل جبهه النصرة شد اما در ژوئن ۲۰۱۴ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خود درآورد. نیروهای داعش در فروردین ۱۳۹۴ تکریت مرکز استان صلاح‌الدین را از دست دادند اما در اواخر اردیبهشت شهر رمادی مرکز استان انبار و پالمیرا در مرکز سوریه را اشغال کردند. تا خرداد سال ۱۳۹۴ بیش از نیمی از مساحت سوریه در تصرف حکومت اسلامی بود. متصرفات داعش عمدتاً در قسمت‌های بیابانی غرب کشور بود. رقه بزرگ‌ترین شهر سوریه بود که در کنترل داعش قرار داشت و پایتخت خلافت اسلامی داعش نامیده می‌شد (قربانی و سیمبر، ۱۳۸۸).

داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران کرد. طی این حملات، ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند. ارتش عراق در ۱۴ دی‌ماه اعلام کرد که پس از دو روز درگیری با اعضای داعش در رشته‌کوه حمیرین توانست آنان را از این منطقه بیرون براند. داعش نیز به طرف استان صلاح‌الدین عقب‌نشینی کرد. اعضای گروه داعش، پنجشنبه‌شب ۸ خردادماه ۱۳۹۳، ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی گرد ساکن منطقه عین‌العرب را که برای شرکت در امتحان نهایی عازم حلب بودند، ربودند. همچنین اعضای گروه داعش، در همان

روز، ۱۹۳ تن از شهروندان کُرد را که ۱۷ تا ۷۰ سال سن داشتند، در منطقه قباسین واقع در حومه شهر الباب در استان حلب ربودند و به جستجوی خانه به خانه این منطقه پرداختند (قماشی، ۱۳۹۰).

نقشه ۲: قلمروهای سابقاً تحت کنترل داعش در عراق و سوریه

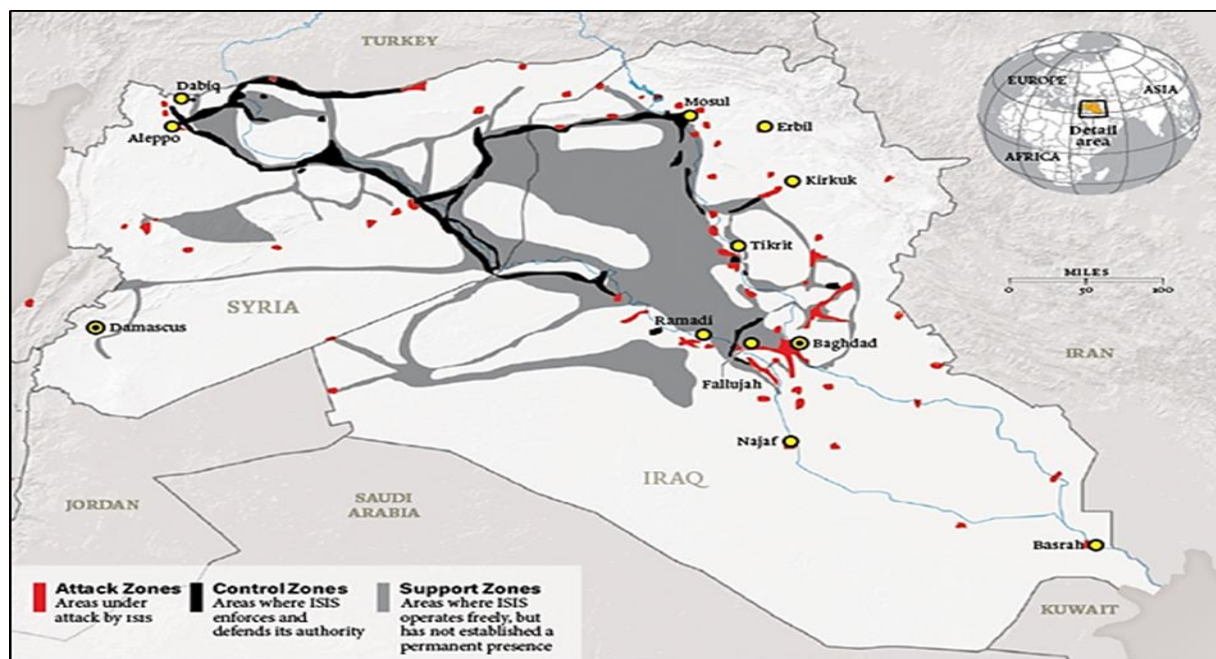


منبع: (<https://www.theatlantic.com>)

در ژوئن ۲۰۱۴، پنج هزار نفر از افراد مسلح داعش شهر موصل را به‌طور کامل تصرف کردند. قبل از این تاریخ، تنها سه هزار نفر از نیروهای داعش در شهر مستقر بودند که ۲۵۰۰ نفر آن‌ها از خارج از این استان آمده بودند و با سرویس‌های اطلاعاتی موجود در شهر موصل و پانصد نیروی دیگر موجود در این شهر توانستند شهر را به تصرف درآورند و نیروهای خود را افزایش دهند (کدخدایی، ۱۳۸۹). این افراد، با حمله به زندان با دوش در نینوا، بیش از ۱۴۰۰ زندانی را آزاد کردند. افراد مسلح همچنین به زندان‌های تسفیرات و زندان مدیریت مبارزه با تروریسم در این منطقه حمله کردند و ده‌ها زندانی را از این دو زندان آزاد کردند. همچنین، انبارهای ذخیره مواد تسلیحاتی استان الانبار، مراکز امنیتی و نظامی و ساختمان شعبه‌ای از بانک مرکزی در منطقه الدواسه را در دست گرفتند. افراد مسلح، با حمله به انبارهای سلاح، همه انواع سلاح‌های سنگین، از جمله بالگردها و خودروهای زرهی و تانک‌ها را تصاحب کردند (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰). شورشیان، کنسولگری ترکیه را در این شهر تصرف کردند. در برخی عکس‌هایی که یکی از سایت‌های وابسته به داعش منتشر کرد، داعش شیعیان غیرنظامی عراقی را به مکانی نامعلوم انتقال داده بود و درحالی‌که دستان آن‌ها را بسته بود به رگبار می‌بست. پالایشگاه بیجی، پایگاه هوایی اسپایکر و سد حدیثه سه مرکز استراتژیک، حیاتی و زیربنایی هستند که داعش در عراق به دنبال آن بود. این گروه بارها تلاش کرد که این اماکن را از دست نیروهای عراقی خارج کند اما تلاش‌هایش به نتیجه نرسید (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷). گروه داعش با وجود اینکه چندین شهر را در تصرف خود داشت اما در نظام حقوقی بین‌المللی هیچ کشوری این پدیده را به عنوان یک دولت به رسمیت نشناخت. داعش بر این عقیده بود که مرزهای کنونی بین کشورهای اسلامی که حاصل تجزیه

امپراتوری عثمانی و موافقت‌نامه منعقد سايکس-پیکو بين فرانسه و بریتانیا است باید برچیده گردد و مرزها به حالت پیش از جنگ جهانی اول بازگردد(ساعد، ۱۳۸۹).

نقشه ۳: گستره جغرافیایی داعش در عراق و سوریه



منبع: (<https://www.theatlantic.com>)

سازمان ملل متحد، اسرائیل، فیلیپین، مالزی و همچنین رسانه‌های غربی و خاورمیانه‌ای، داعش را یک سازمان تروریستی توصیف کرده‌اند و آمریکا، بریتانیا، اندونزی، استرالیا، کانادا و عربستان سعودی، این سازمان را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی قلمداد کرده‌اند(گایا، ۱۳۸۹). سازمان ملل و عفو بین‌الملل هم این سازمان را به نقض گسترده حقوق بشر متهم کرده‌اند. سازمان ملل و تعدادی از رهبران کشورهای جهان از جمله عراق، فرانسه، ایران، آمریکا و بریتانیا داعش را یک خطر فراتر از منطقه قلمداد کرده و درخواست کردند که این گروه در فهرست تروریست‌ها و جنایتکاران جنگی قرار گیرد. همچنین آمریکا، در حمایت از دولت عراق، اعلام کرد که «همه گزینه‌ها برای کمک به دولت عراق باز است»(گلدوزیان و نمایان، ۱۳۸۹).

سازمان ملل متحد ضمن محکوم کردن اقدامات داعش، اعلام کرد که می‌توان این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی و جنایتکاران جنگی قرار داد. روز ۲۴ مرداد ۱۳۹۳ شورای امنیت به اتفاق آراء در نشست شماره ۷۲۴۲ خود قطعنامه شماره ۲۱۷۰ را تصویب کرد این قطعنامه تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، با یک مقدمه و ۲۴ بند و ۶ پیوست، از داعش به عنوان گروه تروریستی یاد کرد و خواستار انحلال آن شد(نمایان، ۱۳۸۸). این قطعنامه با یادآوری قطعنامه‌های قبلی در مورد تروریسم از کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواست که تصمیم‌های مناسب را برای تحریم این گروه در بخش‌های اقتصادی یا اعمال فشار لازم اتخاذ کنند. کشورها مطابق قطعنامه شماره ۱۴۵۲ مصوب (۲۰۰۲) سازمان ملل موظف بودند با این گروه‌ها برخورد کنند و همه کشورهای عضو موظف بودند این گروه‌ها را در فهرست ممنوعه کشورهای خود قرار دهند(Yusuff & Azeez, 2011). قطعنامه شورای

امنیت خواستار انحلال و خلع سلاح دولت اسلامی^۱ و همچنین جبهه النصره شد و شش نفر از حامیان آن را در فهرست تحریم قرار داد. در این میان گروهی از کشورها قبل از قطعنامه مذکور در بخش‌های ملی خود گروه داعش را در فهرست تروریستی قرار دادند که می‌توان به اداره ضد تروریست آمریکا، دفتر رسمی دولتی انگلستان و آژانس ملی ضد تروریسم اندونزی اشاره نمود (Barmaki, 2011).

یافته‌ها

یکی از مسائل مهم و حساس جامعه بین‌المللی در عصر امروز، پدیده تروریسم و آثار آن در تحولات روابط بین‌الملل است؛ زیرا که تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی بدل گشته است. ماهیت جهانی این مسئله، جامعه بین‌المللی را وادار به انجام اقداماتی برای مقابله با تروریسم نموده است. گرچه اقدام‌های گوناگونی اعم از یک‌جانبه و دوجانبه و یا حتی منطقه‌ای به منظور کنترل تروریسم صورت گرفته، اما اقدام‌ها همه‌جانبه و مشارکت‌همه‌ی دولت‌ها در جهت مبارزه با پدیده تروریسم امری اجتناب‌ناپذیر است و مناسب‌ترین مکان به منظور حل این شکل جهانی سازمان ملل متحد است (Brown et al, 2007). در راستای مبارزه با پدیده تروریسم جامعه بین‌المللی با آگاهی از خطرهای ناشی از تروریسم، اقدام‌های متعددی را در مقابله با این پدیده انجام داده است که نتیجه‌ی این اقدامات، همانا تصویب قطعنامه‌ها و معاهدات ضد تروریسم در خصوص ابعاد گوناگون پدیده تروریسم بوده است. هرچند جامعه جهانی در دستیابی به یک تعریف موردپذیرش از تروریسم «توفیق» نداشته، اما کنوانسیون‌های ضد تروریسم مصوب سازمان‌های بین‌المللی، اعمال تروریستی مختلف را تعریف و از آن‌ها به عنوان جرائم بین‌المللی یا می‌کند (Dudouet and Beatrix, 2010).

- تروریسم در زبان فارسی معادل ندارد و در فرهنگ‌های لغت فارسی از این مورد ذکری به میان نیامده است با این حال «واژه تروریسم» از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران» است. در فرهنگ آکسفورد، تروریسم به «وحشت فزاینده» یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند؛ تعریف شده است این فرهنگ ذیل این تعریف اضافه می‌کند که تروریسم: «توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعلی، به این وسیله که در بین مردم تولید وحشت کند».

- تعریف حقوقی دیگر تروریسم چنین است: «کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین با همه کشور را گفته‌اند (János, 2011).

در تعریف بر اساس معیار ذهنی بر قصد و هدف مرتکبان جرائم خشونت‌بار مانند قتل، جرح، گروگان‌گیری و هواپیماربایی و یا دارای نتایج خطرناک؛ مانند ارائه اطلاعات نادرست، حمل و نقل، خرید و فروش مواد هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک تأکید می‌شود... در حقیقت بند نخست بخش (۲۳۳۱) قانون ضد تروریسم ایالات متحده با این رویکرد اقدام به تعریف تروریسم بین‌المللی نموده است: -واژه تروریسم بین‌المللی به معنای فعالیت‌هایی است که الف) شامل اعمال خشونت بار یا اقداماتی است که برای حیات انسان خطرناک بوده و نقض حقوق برای ایالات متحده با دیگر دولت‌ها است مشروط بر آنکه در داخل صلاحیت ایالات متحده یا هر دولت دیگری به وقوع بپیوندد. ب) به نظر می‌رسد که هدف از انجام چنین اعمالی: ترساندن یا مجبور ساختن جمعیت غیرنظامی است. تحت نفوذ

^۱. ISI

قرار دادن سیاست دولت از طریق ترساندن یا تحت فشار قرار دادن آن دولت است یا تأثیر گذاردن بر رفتار یک دولت از طریق قتل یا آدم ربایی است. ج) در درجه نخست در خارج از صلاحیت سرزمین ایالات متحده به وقوع می‌پیوندد یا با توجه به ابزارهایی که به کمک آن این اعمال صورت می‌پذیرد. افرادی که ظاهراً قصد ترساندن یا مجبور ساختنشان را دارند یا محلی که در آن این مرتکبان دست به عمل می‌زنند یا پناه می‌جویند از مرزهای ملی فراتر می‌روند (MohsenZadeh, 2011).

تعاریف مندرج در کنوانسیون‌های منطقه‌ای سازمان کشورهای امریکایی، سازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا نیز با این رویکرد در وهله نخست اقدام به تروریسم بین‌المللی نموده‌اند. اجتماعی‌ترین عنصر برای تعریف تروریسم قدرتمتین توسل به خشونت شدید علیه اشخاص به عنوان یک وسیله تروریستی است. به هر روی این سستی‌ترین روش برداشت از تروریسم هست؛ زیرا همواره امکان استفاده از خشونت شدید علیه اموال، تسهیلات و امکانات دولتی نیز وجود دارد و به همین جهت رویکرد فزاینده‌ای برای تروریستی شناختن این نوع توسل به خشونت نیز در قوانین تازه وجود دارد. قانون تروریسم سال (۲۰۰۰) انگلستان، قانون کانادا، ژوئن (۲۰۰۲) و نیز قانون ایالات متحده؛ همگی حمله به اماکن و تسهیلات دولتی را تروریستی در نظر گرفته‌اند... کنوانسیون‌های سیزده‌گانه ضد تروریسم به استثنای کنوانسیون تأمین منابع مالی تروریسم، کنوانسیون منطقه‌ای اتحادیه اروپا و... همگی از معیار عینی برای تعریف تروریسم استفاده کرده‌اند (Namamian, 2011).

با توجه به اقبالی که از این روش شده است، ایراد آن در این واقعیت است که با رشد و توسعه‌ی روزانه علم و تکنولوژی و تعبیر روش‌های تروریستی به حیث رشد تکنولوژی احصای پایدار مصادیق تروریسم به هیچ وجه در یک بستر زمانی مشخص مقدور نیست به گونه‌ای که هریک از کنوانسیون‌ها و قوانین یاد شده نسبت به زمان تصویب دارای نواقص‌اند. از این رو توسل به روش معیار عینی نیز قابل اعتماد به نظر نمی‌رسد (Pabst, 2009).
تعریف کنندگان برخی کنوانسیون‌ها و اسناد چنددی دیگر با عنایت به محاسن و نقایص در معیار عینی و ذهنی به فکر ترکیب آن‌ها افتاده در عمل معیار مختلطی به وجود آورده‌اند که به موجب آن ابتدا در بند اول تروریسم با استناد به معیار ذهنی تعریف شده و سپس در بند دوم تعریف تا حد ممکن مصادیق عینی و قابل تصور تروریسم احصاء می‌گردد توسل به این معیار در عین اینکه فاقد نقایص معیارهای پیشین است از محاسن آن‌ها بیشترین توفیق را نصیب تصویب کنندگان اسناد می‌کند (Stolzenberg, 2006).

تأمین مالی تروریسم به فعالیت‌هایی که حمایت مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند ابلاغ می‌شود. دولتی که لیستی برای سازمان‌های تروریستی دارد معمولاً قوانینی نیز برای جلوگیری از پول‌شویی پولی که صرف تأمین مالی این سازمان‌ها می‌شود تصویب می‌کند. تأمین مالی تروریسم برای اولین بار پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در نیویورک مورد اقبال جامعه جهانی قرار گرفت و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ملی سازمان ملل به سرعت پس از این حملات صادر شد. گروه ویژه اقدام مالی^۱ پس از این حملات در کنار توجه به پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم را نیز در برنامه خود قرار داد و سرانجام در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۴۹ توصیه خود را که ۹ توصیه آن مختص به تأمین مالی تروریسم بود و ۴۰ توصیه دیگر که مختص به پول‌شویی بود را ادغام نمود و به ۴۰ توصیه

^۱. FATF

جامع تبدیل نمود. قوانین علیه پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در سرتاسر دنیا استفاده می‌شود. در ایالت متحده آمریکا، قانون Patriot Act بعد از حملات ۱۱ سپتامبر تصویب گردید تا به دولت قدرت مبارزه با پول‌شویی برای نظارت بر سازمان‌های مالی را بدهد Patriot Act بعد از تصویب باعث به وجود آمدن جنجال و مباحثات زیادی در ایالات متحده شد. همچنین ایالات متحده با سازمان ملل برای ایجاد برنامه ردیابی مالی تروریستی همکاری کرده است (Stewart, 2011).

قوانینی به وجود آمدند تا تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی را خنثی سازند. در ابتدا تمرکز بر مبارزه با تأمین مالی تروریسم^۱ بر سازمان‌های غیرانتفاعی مانند کسب و کارهای خدمات دهنده مالی ثبت نشده شامل بانکداری زیرزمینی یا حواله) و خود این اعمال مجرمانه بود. گروه ویژه اقدام مالی علیه پول‌شویی FATF نه پیشنهاد ویژه برای CFT مطرح کرد (در ابتدا ۸ تا و پس یک سال نهمین افزوده گردید) این ۹ پیشنهاد به استانداردهای جهانی برای CFT تبدیل شدند و تقریباً همیشه در رابطه با ضدپولشویی اثرگذار ارزیابی شده‌اند. از مکانیسم لیست سیاه FATF (لیست NCCT) برای مجاب نمودن کشورها برای ایجاد تغییر استفاده شد (Wagner, 2006).

تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی که اغلب در قوانین و مقررات مرتبط هستند، در واقع دو مفهوم متضاد هستند. پول‌شویی فرایندی است که صورت می‌گیرد تا پول به دست آمده از فعالیت‌های مجرمانه با ظاهری قانونی وارد سیستم مالی گردد. در صورتی که تأمین مالی تروریسم به منابع تأمین‌کننده پول اهمیتی نداده، بلکه صرف چه کاری می‌شوند حائز اهمیت است. یک تحقیق دقیق در مورد ارتباط یافت شده میان جرائم سازمان یافته و سازمان‌های تروریستی که در ایالات متحده آمریکا و دیگر مناطق دنیا که نقاط پیوند جرم-جنایت هستند در مبحث پزشکی قانونی چاپ شده است. مقاله پری، لیختن‌والد و مک کنزی بر همکاری گروه‌های کاری چند-سازمانه، ابزارهایی که می‌تواند برای شناسایی، نفوذ و از بین بردن سازمان‌هایی که فعالیتشان در کنار نقاط پیوند جرم-جنایت است تأکید می‌کند. تروریست‌ها از فعالیت‌های کلاهبردانه کم‌ارزش ولی پرسود برای تأمین مالی عملیاتشان استفاده می‌کنند. گروه‌های شبه‌نظامی در ایرلند شمالی از کسب‌وکارهای قانونی مانند هتل‌ها، بارها و خدمات تاکسی تلفنی برای پول‌شویی و تأمین مالی فعالیت‌های سیاسی استفاده می‌کنند. (Zakzouk, 2004).

حتی فراتر از وضعیت ایرلند، در بعضی از موارد تروریست‌ها در کسب و کارهای مالی فعالیت می‌کنند تا بتوانند راحت‌تر پول جابه‌جا کنند. جابه‌جا کردن حجم زیاد پول از طریق موسسات مالی یک روش مرسوم برای این کار است، امروزه خیلی از آن‌ها از طریق سیستم‌های پرداخت آنلاین این کار را انجام می‌دهند. هرچند روش‌های قدیمی همچنان منسوخ نشده‌اند. تروریست‌ها همچنان پول را از طریق حواله جات، شرکت‌های انتقال وجه و از طریق بانه‌های دریافت پول بین‌المللی منتقل می‌کنند؛ و در کشورهای که قوانین کنترلی خیلی محکم نیستند، خیریه‌ها نیز ابزاری برای شستشوی پول هستند (نمایان، ۱۳۸۸). عملیات جستجوی سبز، تیم میان‌سازمانی آمریکایی است که در اکتبر ۲۰۰۱ ایجاد شد تا با هدف رسمی مبارزه با تروریسم مالی به فعالیت بپردازد. این تیم فعالیت‌هایی که الگویی برای دریافت و جابه‌جا کردن پول که با تأمین مالی تروریسم می‌تواند ارتباط داشته باشد را این‌گونه مشخص کرده است:

^۱. CFT (Combating the Financing of Terrorism)

نقل و انتقالات حساب‌هایی که با موجودی‌های قبلی یا روش‌های برداشت قبلی مانند نقدی، چک یا جا به جایی بین بانکی متفاوت باشد. نقل و انتقالاتی شامل جا به جایی‌های بین بانکی در مقادیر بسیار زیاد بدون مشخص بودن دلیل واضح، فرستنده و گیرنده که به کشورهای تحت تحریم، یا کشورهایی که با مبارزه با تروریسم مالی همکاری نمی‌کنند یا به کشورهای sympathizer nations ارسال شوند. خالی کردن ناگهانی حساب‌ها یا چک‌های واسط و حساب‌هایشان در بانک‌های خارجی. پخش کردن حساب‌ها در شعبات مختلف یا فعالیت‌های متعدد در یک شعبه. لایه سازی‌های سازمانی، نقل و انتقالات بین حساب‌های بانکی و موجودی‌های مرتبط یا سازمان‌های خیریه بدون هیچ دلیل مشخص و واضحی. نقل و انتقالات توسط سازمان‌های خیریه به شرکت‌هایی که در کشورهای که به کشورهای فرار مالیاتی معروف هستند مستقر باشند. عدم وجود فعالیت‌های واضح در برنامه‌های جذب سرمایه؛ مانند نبودن چک‌های خرد یا مبالغ اهدا شده به حساب‌های بانکی مرتبط با آن خیریه. استفاده از چندین حساب برای دریافت پول‌هایی که در نهایت به یک شخص خارجی منتفع ارسال می‌شود. نقل و انتقالات بدون هیچ هدف واضح اقتصادی، بدون وجود ارتباطی میان فعالیت و سازمان و اعضای دخیل در این نقل و انتقالات. برنامه‌های دریافت نقدی از حساب‌هایی که در آمریکا ایجاد شده ولی از دستگاه‌های خودپرداز کشورهای مشکوک برداشت شوند. یا برعکس نقل و انتقالات این چنینی نیز مشکوک هستند. چک‌ها، سندهای مالی یا دیگر اسناد اقتصادی که معمولاً متوالی شماره زده شده باشند و در وجه یک شخص یا کسب کار باشند، یا به یک شخص یا شرکت که اسمشان یکی باشند نوشته شده باشند (گلدوزیان و نامیان، ۱۳۸۹).

بر اساس این فعالیت‌ها به تنهایی نمی‌توان مشخص نمود که این فعالیت مرتبط با تروریسم یا جرم‌های سازمان یافته باشد. به همین دلیل این فعالیت‌ها باید کاملاً در شرایط ویژه خود با بقیه عوامل بررسی شوند تا مشخص شود که آیا با تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی ارتباطی دارند یا خیر. نقل و انتقالات ساده هم می‌توانند مشکوک باشند و پول‌شویی‌هایی که از طریق فعالیت‌های تروریستی اتفاق می‌افتند می‌تواند عملیات ساده‌ای مانند انتقال بین‌المللی پول باشد که لینک‌های ارتباطی با کشورهای مانند کشورهای لیست سیاه FATF باشند (گایا، ۱۳۸۹). بعضی از افرادی که سابقه جنایی دارند، خصوصاً در قاچاق مواد مخدر و اسلحه ممکن است با گروه‌های تروریستی در ارتباط باشند. این پول‌ها ممکن است از طریق یک کشور حامی تروریسم یا کشورهای درگیر با تروریسم منتقل شوند. حساب‌هایی (خصوصاً دانشجویی) که فقط در مقاطع مشخص و منظم زمانی مبالغی دریافت می‌کنند و در طی دو ماه از طریق دستگاه‌های خودپرداز نقد می‌شوند و در مواقع دیگر فعالیتی ندارند ممکن است نشان دهنده آماده شدن برای حمله‌ای تروریستی باشند (ساعد، ۱۳۸۹).

در آخرین اقدام مجمع عمومی برای توسعه معاهدات ضد تروریسم، معاهده‌ای با عنوان کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریسم در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید. هدف کنوانسیون این است که با ممانعت از هرگونه کمک مالی به افراد و گروه‌های تروریستی، مانع تقویت آن‌ها و در نتیجه گسترش فعالیت‌های تروریستی گردد. بر اساس این کنوانسیون، هر شخصی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌ای را به قصد استفاده در جهت ارتکاب جرائم مندرج در یکی از کنوانسیون‌های ضد تروریسم (که در ضمیمه کنوانسیون آمده و در این مقاله نیز به آن‌ها اشاره شده است) فراهم یا تحصیل کند، یا برای انجام عملی که هدف از آن کشتن یا ایراد آسیب بدنی به یک شهروند یا شخصی است که در مخاصمات مسلحانه نقشی ندارد تسهیلات مالی فراهم کند و یا با انگیزه تهدید و

ارباب مردم یا مجبور ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا عدم انجام یک عمل چنین اقدامی صورت دهد، مجرم شناخته می‌شود (کوشا و نمایان، ۱۳۸۷).

تلاش جامعه بین‌المللی جهت جلوگیری و مجازات تأمین مالی تروریسم، بخشی از تلاش جامع‌تری است که به منظور مبارزه با تمامی جنبه‌های تروریسم صورت می‌گیرد. این اقدامات و تلاش‌ها در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای انجام گرفته است. بر این اساس می‌توان مهم‌ترین الزام‌های بین‌المللی موجود را به ترتیب اهمیت در سه بخش طبقه‌بندی و معرفی نمود: ۱) قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳؛ ۲) کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)؛ و ۳) توصیه‌های گروه اقدام مالی (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰).

از حیث اهمیت و اعتبار شکلی و وصف الزام‌آور آن‌ها، قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله اول اهمیت قرار دارند؛ در وهله دوم، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد است؛ سپس، توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی است. اگرچه توصیه‌های گروه اقدام مالی برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند، ولی از نظر عملی واجد اهمیت بسیارند. مفاد این اسناد به گونه‌ای تنظیم شده که هریک مکمل و در مواردی تکرار دیگری است. به گونه‌ای که طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ اجباری است؛ از طرف دیگر، طبق این قطعنامه از کشورهای عضو ملل متحد خواسته شده تا به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ملحق شوند (قماشی، ۱۳۹۰). تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون تدوین شده باشد. علاوه بر این‌ها، ملاحظات عملی مربوط به حفظ رابطه کارگزاری با بانک‌های خارجی نیز مستلزم اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی است (عزیزی، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

واژه تروریسم بنا به توضیح دانشنامه لاروس به معنی بی‌رحمی، قساوت و ترس است. تلاش برای تعریف تروریسم از زمان انقلاب فرانسه تاکنون جریان داشته است. جفری رکورد در گزارش به ارتش ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ از حدود ۱۰۹ تعریف ارائه شده برای تروریسم همراه با ۲۲ عنصر برای شناخت آن خبر می‌دهد. کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های گوناگونی توسط جامعه بین‌المللی و شورای امنیت برای بازشناسی، محکومیت تروریسم و ارائه شاخصه‌هایی برای شناخت آن و نیز کنترل ابعاد آن انجام یافته است، از جمله کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در مورد قانونی نبودن هواپیماربایی. کنوانسیون ۱۹۷۱ جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه سلامت مسافران هوایی؛ کنوانسیون ۱۹۸۸ جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت حمل‌ونقل دریایی؛ کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۷ سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی که در تاریخ ۲۳ می ۲۰۰۱ به مرحله اجرا رسید؛ کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹؛ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اعمال تروریستی هسته‌ای ۲۰۰۵ و قطعنامه‌های شورای امنیت بمانند قطعنامه شماره ۱۲۶۷ مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ آن شورا در مورد انسداد وجوه و سایر منابع مالی طالبان. قطعنامه ۱۳۳۳ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ در خصوص انسداد وجوه مالی گروه‌های تروریستی با تأکید بر بن‌لادن و القاعده؛ قطعنامه ۱۳۶۳ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ در مورد راهکارهای نظارت بر دو قطعنامه قبلی؛ از این قبیل است.

قطعه‌نامه اخیرالذکر از پشتوانه اجرایی مواد ۲۵ و ۴۸ منشور ملل متحد نیز برخوردار است. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان به موارد اخیر اشاره کرد: کنوانسیون ۱۹۷۱ سازمان کشورهای آمریکایی در مورد جلوگیری و مجازات اعمال تروریستی، کنوانسیون ۱۹۸۷ مؤسسه همکاری منطقه‌ای آسیای جنوبی در مورد مبارزه با تروریسم، کنوانسیون مینسک ۱۹۹۹ جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل در خصوص مبارزه با تروریسم.

کنوانسیون ۱۹۹۹ مبارزه با تروریسم کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کنوانسیون جلوگیری و مبارزه با تروریسم ۱۹۹۹ سازمان وحدت آفریقا (اتحادیه آفریقا) و پروتکل سال ۲۰۰۴ الحاقی به آن، کنوانسیون سال ۲۰۰۲ کشورهای آمریکایی مبارزه با تأمین مالی تروریسم و دو کنوانسیون مصوب ۱۶ مه ۲۰۰۵ شورای اروپا در مورد جلوگیری از تروریسم و حمایت مالی از آن و پول‌شویی. در مجموع مفهوم برآمده از این مجموعه را می‌توان چنین در نظر گرفت:

تروریسم به هرگونه فعالیت سازمان‌یافته مخفیانه اطلاق می‌شود که مشتمل بر به‌کارگیری خشونت در اشکال گوناگون مثل صدمه فیزیکی یا تهدید نسبت به حیات انسان‌ها بوده که هدفشان ایجاد ترس و وحشت برای اهداف خاص است. اعمال تروریستی عموماً شامل کشتن بی‌گناهان و یا مأموران قانونی دولت، ایجاد تنفر و رعب و وحشت و برهم زدن صلح و آرامش و تخریب اموال کشور می‌شود. شروط زیر می‌تواند در تبیین وجه تروریسم به ما کمک کند:

- عمل تروریستی یک عمل سازمان‌یافته است که شامل اقدام شخصی و گروهی با برنامه از پیش طراحی شده ارتباط دارد. بنابراین وجود یک دیدگاه سیاسی و ایدئولوژیک محرک گروه تروریستی است که آن را از زورگیری، دزدی از اشخاص به قصد اخذ مال متمایز می‌کند.

- عمل تروریستی سبب مرگ یا حداقل جراحات و صدمات فیزیکی شدید به اشخاص می‌شود. هرچند بسیاری از منابع جدید حقوق بین‌الملل خسارت به اموال را نیز با وجود شرایط دیگر تروریستی می‌دانند (مانند صورت جلسه مذاکرات سال ۲۰۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل برای تروریسم)

- عاملان تروریستی با قصد و منظور مشخص دست به عملیات می‌زنند و جنگ روانی و ایجاد جو وحشت در میان مردم، اشخاص یا گروه‌های خاص، دولتمردان و یا سازمان‌های بین‌المللی بخش مهمی از عملیات آنان است (برگرفته از قطعه‌نامه ۱۵۶۶ سال ۲۰۰۴ شورای امنیت سازمان ملل).

- طعمه اهداف تروریستی لزوماً یک شخص یا گروه معین نیست بلکه در بسیاری از موارد افراد به‌صورت تصادفی مورد هدف قرار می‌گیرند (مانند بمب‌گذاری‌های القاعده در عراق).

هر شخصی در بکار بردن تخلف و نقض قانون در چارچوب مفهوم این کنوانسیون تروریست است، اگر شخص به‌طور غیرقانونی و عامدانه اماکن را هدف قرار دهد، به‌سوی یا علیه مکانی خاص یا عموم مردم، ساختمان‌های دولتی یا حکومتی، سیستم حمل‌ونقل عمومی یا ابزار زیرساختی؛ مواد منفجره یا دیگر وسایل کشنده را منفجر یا شلیک یا استفاده کند (و با این شروط):

الف) با تعمد در ایجاد مرگ یا صدمه جدی بدنی

ب) با تعمد در ایجاد تخریب گسترده چنین اماکنی، ابزار یا سامانه کشور، در جاییکه چنین تخریبی منتج به ضرر عمده اقتصادی نیز گردد.

و از همه تعاریف جالب‌تر، مقررات کد فدرال ایالات متحده^۱ است که تروریسم بین‌المللی را چنین معرفی می‌کند: «تروریسم بین‌المللی به مفهوم اعمالی است که ... شامل افعال ناقض یا خطرناک برای حیات انسانی است که نقض‌کننده قانون کیفری ایالات متحده یا هر دولت دیگری باشد و ... اگر تخلف کیفری ارتکاب یافته در حوزه صلاحیت قضایی ایالات متحده یا هر کشور دیگری باشد»

تروریسم، پدیده‌ای است محصول علل مختلف که در عین حال، علت شکل‌گیری وضعیت‌های گوناگون محسوب می‌شود. از دید مناسبات تروریسم و حقوق بشر، این پدیدار، معلول نقض حقوق بشر و نبود شرایط صلح ماندگار است که خود نیز با عملیات و اقدام، به نقض بسیاری از حقوق اساسی بشری فردی و همگانی منجر می‌گردد و در درجه اول، حق بر صلح و آرامش همگانی بشر را در معرض تهدید قرار می‌دهد. در واقع، تروریسم دو صورت دارد: صورت اول آن‌که به مثابه علت وقوع موارد تهدید صلح و نقض حقوق بشر عمل می‌کند و صورت دیگر آن، نشأت‌گیری تروریسم از نقض حقوق بشر و صلح ویژه وضعیت‌های نابرابر «میان» اجتماعات و «در» اجتماع است. از طرف دیگر، تروریسم هم دارای جنبه‌های سخت و هم نرم است و اسناد حقوقی معاصر قادر به تعریف جامع و همه‌جانبه‌ی این مفهوم نبوده، تاکنون چنین تلاشی ناکام مانده است.

با وجود این، تروریسم فارغ از معنا و گفتمانی که دارد، مفهومی متضمن هراس و وحشت عمومی است که استفاده از آن حتی در ذهن نیز نوعی واکنش روانی مبتنی بر انزجار را به دنبال دارد. این حس غالب و عمومی، برآیند تمایل روحی بشر به آرامش و پرهیز از خشونت به ویژه ماهیت هنجاری مصونیت غیرنظامیان و عامه در برابر عملیات‌های ارهابی و مسلحانه است. با این حال، عموم مردم، تروریسم را به عنوان روشی خشونت‌آمیز شناخته‌اند که برای ایجاد فضای رعب و وحشت به منظور نیل به اهداف سیاسی از طریق توسل به زور نسبت به گروه یا دولت مورد نظر برای تن دادن به اهداف و مقاصد مهاجمان به کار گرفته می‌شود.

جدیدترین گروه تروریستی «دولت اسلامی» یا «داعش» است که با وجود نام پرطمطراق خود به گمان ما نه تنها معتقد به هیچ دین و مذهبی نیست بلکه با کوچک‌ترین معیارهای انسانی نیز فاصله‌ای بسیار دارد. پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در امریکا «طالبان» و «القاعده» و... این تشکیلات ضد بشری به معضلی جهانی تبدیل شده است ولی همگان می‌دانند که به‌راه انداختن تشکیلات تروریستی به تأمین مالی نیاز دارد و مقررات مربوط به پول‌شویی به تنهایی پاسخگوی آن نیست؛ زیرا درآمدهای حاصل از پول‌شویی دارای منشأ کثیف یا ارتکاب اعمال مجرمانه‌اند. ولی طبق ردیف‌های «الف» و «ب» بند ۱ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، کلیه کشورها مکلف شده‌اند تا «از تأمین مالی اعمال تروریستی پیشگیری و با آن مبارزه کنند» و «ارائه و جمع‌آوری عمدی وجوه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، به هر وسیله توسط اتباع خود یا داخل سرزمین خود که به قصد اینکه این وجوه باید یا با علم به اینکه قرار است برای اجرای اقدام تروریستی مورد استفاده قرار گیرد را جرم تلقی کنند.» بنابراین لازم نیست این وجوه الزاماً از طریق پول‌شویی به دست آمده باشند. ما در این مقال، در سه بخش، نگاهی کوتاه خواهیم داشت به قوانین و مقررات ملی ایران، کنوانسیون‌هایی که ایران به آن‌ها پیوسته و طبق ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قوانین داخلی

¹. US Code of Federal Regulations

هستند و قطعنامه‌های لازم‌الاجرای شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ اما پیش از آن نگاهی کوتاه می‌اندازیم به تعریف تروریسم و تأمین مالی آن.

۱- تعریف تروریسم از نظر کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۱: بر اساس شقوق «الف» و «ب» بند یک ماده ۲ کنوانسیون، اعمال تروریستی عبارت‌اند از: الف) ارتکاب عملی که طبق هر یک از کنوانسیون‌های مذکور در پیوست این کنوانسیون (کنوانسیون‌های ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ لاهه، ۲۳ دسامبر ۱۹۷۱ مونرآل، کنوانسیون ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی ملل متحد، کنوانسیون ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ همان مجمع، ۱۹۸۸ رم و کنوانسیون ۱۵ دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی ملل متحد) آمده است. ب) هر عمل دیگری برای قتل یا ورود لطمه جسمی جدی به یک شهروند یا شخصی که مشارکت فعال در درگیری مسلحانه ندارد و هدف از ارتکاب چنین عملی ماهیتاً یا بر اساس شرایط مربوط، ارباب جمعیت یا وادار نمودن یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام هر عملی باشد.

۲- تعریف تأمین مالی تروریسم در بند یکم ماده ۳ همین کنوانسیون: «ارائه یا جمع‌آوری وجوه به هر وسیله، مستقیم یا غیرمستقیم، برخلاف قانون و به‌طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به‌طور کلی یا جزئی، صرف اعمال تروریستی گردد». طبق بند یکم ماده ۱ همین کنوانسیون، «وجوه» یعنی هرگونه مال اعم از عینی یا دینی، منقول یا غیرمنقول، به هر نحو که تحصیل شده باشد و هر نوع اسناد یا ابزار قانونی شامل الکترونیک یا دیجیتال که دلیل مالکیت یا نفعی در چنین اموالی باشد، از جمله شامل اعتبارات بانکی، چک‌های مسافرتی، چک‌های بانکی، دستورهای پرداخت پول، سهام، اوراق بهادار، اوراق قرضه، حواله و اعتبارات اسنادی. (ترجمه این تعاریف از منبع یادشده در بخش پایانی وام گرفته شد)

۳- تعریف تروریسم در بند ۲ ماده ۱ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی: «اصطلاح تروریسم به هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده اطلاق می‌شود که با وجود مقاصد یا انگیزه‌اش برای اجرای طرح جنایی فردی یا گروهی که با هدف ایجاد رعب بین مردم یا تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی‌ها، امنیت یا حقوق آن‌ها، یا به خطر انداختن محیط‌زیست یا هرگونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا اشغال یا تصرف آن‌ها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد». اضافه بر این بند، بند ۴ همان ماده جرائم مندرج در ۱۲ کنوانسیون را جز در مواردی که قوانین کشورهای متعاقد آن‌ها را مستثنی کرده یا آن‌ها را تصویب نکرده است نیز در عداد جرائم تروریستی آورده است. در ماده ۳ نیز با آنکه «تأمین مالی تروریسم» تعریف نشده ولی به موجب آن کشورهای متعاقد، متعهد می‌شوند به هیچ نحوی در سازمان‌دهی، تأمین مالی و... اقدام، شروع یا مشارکت نکنند.

در قانون فرانسه حامیان مالی گروه‌های تروریستی جرم انگاری شده و برای آن مجازات مقرر شده است. قانون‌گذار بر اساس قانون شماره ۱۶۰۱-۱۰۰۲ در تاریخ ۵۱ نوامبر ۲۰۰۱، حمایت مالی از اقدامات تروریستی را نیز بزه تروریستی تلقی نمود. حمایت مالی از اقدام تروریستی در ماده ۲-۲-۱۲۴ قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده است. طبق این ماده قانونی: «حمایت مالی از اقدام تروریستی از طریق فراهم نمودن، جمع‌آوری و یا اداره کردن وجوه، اوراق بهادار و یا اموال و نیز راهنمایی کردن در همین راستا با علم به این‌که تمام یا قسمتی از این وجوه، اوراق

بهادار یا اموال در جهت ارتکاب یکی از اعمال تروریستی پیش‌بینی شده در این بخش استفاده گردیده و یا اختصاص به استفاده در این زمینه خواهد داشت، صرف‌نظر از تعیین نوع عمل ارتكابی احتمالی، عمل تروریستی محسوب می‌گردد.»

مجازات بزه مزبور نیز بر اساس بیان ماده ۵-۱۲۴، تا ده سال حبس جنحه‌ای و تا ۵۲۲ هزار یورو جزای نقدی تعیین گردیده است. مجازات شروع به جرم بزه فوق نیز بر اساس همان ماده قانون، دارای همان مجازات خواهد بود.

رسالت اصلی سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که حسب ماهیت تروریسم، در تهدید مستقیم اعمال تروریستی نهفته است. فعالیت‌های ضد تروریستی علاوه بر تلاش‌های ارکان سازمان ملل، غالباً از طریق تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد. فعالیت‌های سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم به دودسته فعالیت‌های عملی برای تعریف و جرم‌انگاری تروریسم و فعالیت‌های ملل متحد در تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی قابل‌طبقه‌بندی است. به استثنای دو کنوانسیون که در مورد سرکوب منابع مالی تروریسم (سال ۱۹۹۹) و سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی بین‌المللی (سال ۱۹۹۷) تصویب شده‌اند، هیچ کدام از کنوانسیون‌های دیگر اصولاً اشاره‌ای به تروریسم نکرده‌اند ولی از آنجا که موضوعات مورد توجه آن‌ها از مصادیق بارز تروریسم بین‌المللی بوده و به تدریج به عنوان کنوانسیون‌های ضد تروریسم مورد شناسایی اسناد و مجامع جهانی و منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. کنوانسیون‌های دوازده‌گانه ضد تروریسم سازمان ملل به شرح ذیل است:

- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هوایی و هوانوردی؛ که شامل سه کنوانسیون و یک پروتکل الحاقی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان منشور امنیت هواپیمایی و هوانوردی بین‌المللی یاد کرد. دولت قزاقستان در هر سه کنوانسیون و پروتکل الحاقی عضو است.

- کنوانسیون‌های بین‌المللی سرکوب تروریسم دریایی و دریانوردی؛ شامل دو کنوانسیون بین‌المللی که هدف آن‌ها صیانت از ایمنی دریا و دریانوردی است و در سال ۱۹۸۸ تصویب شدند.

- کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب تروریسم بر ضد آزادی و امنیت فردی؛ در این کنوانسیون‌ها علاوه بر حمایت از دولت‌ها، صیانت از اشخاص در درجه اول اولویت قرار دارند و شامل دو کنوانسیون است.

- کنوانسیون‌های سرکوب تروریسم بر ضد مواد دارای قدرت خطرناک؛ کنوانسیون حمایت از مواد هسته‌ای در سال ۱۹۷۹ و کنوانسیون نشانه‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی دو کنوانسیون هستند که در این خصوص و در چارچوب کنوانسیون‌های دوازده‌گانه ضد تروریسم قابل بررسی می‌باشند.

- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷

- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تأمین مالی تروریسم مصوب ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۰

منابع فارسی

۱. والترز، کنت (۱۳۸۲)، حقوق بشر و چشم‌اندازها، تهیه و تنظیم مرکز مطالعات حقوق بشر، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۸۲)، جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه.

۳. گل محمدی، احمد (۱۳۹۳)، جهانی شدن فرهنگ و هویت، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۴. سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۳)، افغانستان و جهانی شدن، چاپ اول، انتشارات بین‌المللی صبح امید.
۵. زینالی، امیر همزه (۱۳۸۸)، جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حقوق کودکان و موانع و مقتضیات ایران، پایان‌نامه دوره دکترا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. توحید فر، محمد (۱۳۸۰)، فرایند جهانی شدن حقوق کیفری، فصل‌نامه مدرس، شماره ۴، دوره پنجم.
۷. آشناگر، داریوش (بی‌تا)، جهانی شدن و امپریالیسم، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره-ی ۲۶۸-۲۶۷.
۸. زراعت، عباس (۱۳۹۱)، درآمدی بر علوم جنایی، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۹. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ - هویت، نشر نی، تهران.
۱۰. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، رساله‌ی جرائم و مجازات‌ها. ترجمه، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌الملل، مقاله‌ی هفتم. تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.
۱۲. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، دفتر مطالبات سیاسی و بین‌الملل تهران.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، جرم‌شناسی تروریسم، تنظیم امیر باستانی.
۱۴. سواری، حسن (بی‌تا)، مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل، خطرات و فرصت‌ها (ساندوز)، ترجمه مجله حقوقی، شماره ۲۹.
۱۵. صفاری، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴ - ۳۳، ۱۳۸۰.
۱۶. شایگان، فریده، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. شریف، محمد (۱۳۸۲)، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۱۸. صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۸۳)، «نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و تروریسم بین‌الملل از دید حقوق بین‌الملل»، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هیجدهم، شماره ۱۲۰۶ - ۲۰۵ (۱۳۸۳).
۱۹. ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۰)، «تحلیل قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه، ۵ و ۶ دیماه، ۱۳۸۰.
۲۰. طیبی فرد، امیرحسین (۱۳۸۴)، مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۳۲.
۲۱. ایگلسیاس برلانگا، مارتا (۱۳۸۹)، مبارزه با تروریسم و عدالت جهانی: یک زوج نامتقارن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (انجمن ایرانی روابط بین‌الملل)، سال ششم، شماره ۴.
۲۲. بشیر، حسن (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی: مبارزه واقعی با تروریسم و ائتلاف جهانی برای تحقق صلح و امنیت " [سخنرانی]، فصلنامه صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، ویژه‌نامه کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه
۲۳. بریسک، آلیسون (۱۳۹۰)، حقوق بشر و ناامنی، در: بررسی تطبیقی امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ویراستاران: آلیسون بریسک و گیرشون شافیر، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۴. توحیدی فرد، محمد (۱۳۸۰)، جهانی شدن حقوق کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۲۱
۲۵. جاوید، محمدجاوید (۱۳۸۸)، عدالت طبیعی بنیانی برای صلح جهانی: از قوانین طبیعی تا امنیت همگانی، بولتن مرکز مطالعات علمی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال هشتم، شماره ۲۶
۲۶. جلالی، محمود و امیر مقامی، (۱۳۸۹)، روند جهانی شدن حقوق کیفری و تأثیر آن بر حقوق ایران، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۲۷
۲۷. حسین خانی، الهام (۱۳۸۹)، فرهنگ صلح عادلانه و نظام سیاسی و بین‌المللی در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول
۲۸. رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل کیفری و زمینه‌های شکل‌گیری یک سیاست جنایی بین‌المللی، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، دوره جدید، شماره ۲۹
۲۹. رضوانی فرانی، محمدعلی (۱۳۸۹)، نگاهی گذرا به صلح در فرهنگ اسلامی، فصلنامه صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، سال اول، شماره ۴
۳۰. ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۹)، وجاهت منزلت انسانی در گستره حق بر صلح، فصلنامه صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، سال اول
۳۱. ساعد، نادر «الف» (۱۳۸۹)، صورت‌بندی تروریسم در نگاه حقوقی: دستاویزها و چشم‌انداز در: تروریسم و حقوق بشر، زیر نظر نادر ساعد، تهران: انتشارات دادگستر به سفارش برنامه عمران سازمان ملل متحد و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی
۳۲. «ب» (۱۳۸۹)، چارچوب گفتمانی صلح و ابهامات رهیافت حقوقی، در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول
۳۳. «ج» (۱۳۸۹)، گفتمان صلح عادلانه: مبنا و معنا، در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول
۳۴. کدخدایی، عباسعلی و نادر ساعد (۱۳۹۰)، تروریسم و نظام حقوقی ناظر بر حمایت از صلح و حقوق بشر، در: تروریسم و مقابله با آن، به اهتمام، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه
۳۵. مولایی، یوسف (۱۳۸۱)، حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۶.
۳۶. ساعی، احمد و مجید معصومی (۱۳۹۰)، تأثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۲
۳۷. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۹)، ائتلاف برای صلح؛ زمینه حاکمیت حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۱
۳۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷)، جهانی شدن حقوق بین‌الملل؛ چالش قرن بیست و یکم، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن حقوق و چالش‌های آن، گردآوری و تهیه و تنظیم: غلامرضا خواجهی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

۳۹. عاملی، سیدرضا (۱۳۸۹)، *رویکرد انتقادی به استعماری مجازی آمریکا: قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی*، تهران، انتشارات امیرکبیر
۴۰. عامری، داوود «الف» (۱۳۸۹)، *حق بر مطالبه صلح عادلانه، در: حق بر صلح عادلانه*، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی
۴۱. عزیزی، ستار (۱۳۹۰)، *تروریسم و نهضت‌های آزادی‌بخش: مرزشناسی حقوقی*، در: *تروریسم و مقابله با آن*، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه
۴۲. قربانی، ارسلان و رضا سیمبر (۱۳۸۸)، *صلح و حقوق بشر: فرصت‌ها و چالش‌ها*، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (انجمن ایرانی روابط بین‌الملل)، سال ششم، شماره ۳
۴۳. قماش، سعید (۱۳۹۰)، *کرامت انسانی راهبرد نوین در سیاست جنایی*، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، دوره جدید، شماره ۱
۴۴. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۹)، *صلح بین‌المللی و امنیت: چالش‌ها و تهدیدها*، فصلنامه صلح عادلانه (مجمع جهانی صلح اسلامی)، سال اول، شماره ۴ و ۵
۴۵. کدخدایی، عباسعلی و نادر ساعد (۱۳۹۰)، *مقابله با تروریسم و راهبرد سازمان کشورهای اسلامی در پرتو کنوانسیون ۱۹۴۹*، در: *تروریسم و مقابله با آن*، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه
۴۶. کوشا، جعفر و پیمان نمایان (۱۳۸۷)، *جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری*، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳
۴۷. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، *جرم‌انگاری تروریسم و مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی*، در: *حق بر صلح عادلانه*، به اهتمام، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی
۴۸. گایا، جورجیو (۱۳۸۹)، *مبارزه با تروریسم: حقوق توسل به زور، حقوق درگیری‌های مسلحانه با نگاهی به افغانستان*، ترجمه پروانه تیلا، در: *تروریسم و حقوق بشر*، زیر نظر نادر ساعد، تهران: انتشارات دادگستر به سفارش برنامه عمران سازمان ملل متحد و کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی.
۴۹. گلدوزیان، ایرج و پیمان نمایان (۱۳۸۹)، *راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم - فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)*، شماره ۷
۵۰. نمایان، پیمان (۱۳۸۸)، *بررسی دلایل جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی*، فصلنامه حقوق و مصلحت (مجله کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام)، شماره ۴
۵۱. «الف» (۱۳۹۰) *صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم*، فصلنامه مطالعات راهبردی (پژوهشکده مطالعات راهبردی)، شماره ۵۱
۵۲. «ب» (۱۳۹۰) *تروریسم هسته‌ای: راهبرد کنوانسیون ۲۰۰۵*، در: *تروریسم و مقابله با آن*، به اهتمام عباسعلی کدخدایی و نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی به سفارش کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، چاپ اول

۵۳. «ح» (۱۳۹۰)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت کیفری بین‌المللی در مواجهه با تروریسم [مقدمه مترجم]، در: واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم، ترجمه پیمان نامامیان، تهران: انتشارات میزان به سفارش انجمن ایرانی حقوق جزا
۵۴. (۱۳۹۱)، حقوق بین‌الملل کیفری: چالش‌ها، هنجارها و راهبردهای مبارزه با تروریسم، تهران: انتشارات مجد
۵۵. هرتزوغ، رومان (۱۳۸۰)، آشتی تمدن‌ها راهبردی برای صلح جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

منابع لاتین

1. Arish Yusuff, Azeez Olawale (2011) "Terrorism-A Threat to Global Peace", <http://ezinearticles.com/?Terrorism-A-Threat-to-Global-Peace&id=4443052>
2. Barmaki, Jafar(2011) "Environment and Global Peace", in: *Terrorism; Actors and Pathology*, Edited by Abbas-Ali Kadkhodae and Nader Saed, Islamic World Peace Forum and International Conference on Global Alliance against Terrorism for a Just Peace
3. Brown, Chris et al., (eds.)(2007) *International Relations in political Thought*, Cambridge: Cambridge University Press
4. Dudouet, Véronique and Beatrix Schmelzle (eds.)(2010) *Human Rights and Conflict Transformation: The Challenges of Just Peace*, Berghof Handbook Dialogue Series 9, published by Berghof Conflict Research (BCR), <http://www.berghof-handbook.net>
5. János, Drábik(2011) "Joining Forces Globally Against Terrorism for the Just Peace", in: <http://drabikjanos.com/2011/04/28/joining-forces-globally-against-terrorism-for-the-just-peace/>
6. MohsenZadeh, Ahmad Ali(2011), "Environmental Just Peace: Impact of "Right to Environment" on "Right to Peace"", in: *Terrorism; Actors and Pathology*, Edited by Abbas-Ali Kadkhodae and Nader Saed, Islamic World Peace Forum and International Conference on Global Alliance against Terrorism for a Just Peace
7. Namamian, Peyman(2011) "Statute of the International Criminal Court and Terrorism Criminalization", in: *Terrorism; Actors and Pathology*, Edited by Abbas-Ali Kadkhodae and Nader Saed, Islamic World Peace Forum and International Conference on Global Alliance against Terrorism for a Just Peace
8. Pabst, Adrian(2009) "Unholy War and Just Peace: Religious Alternatives to Secular Warfare", *POLITICS AND RELIGION*, Vol. III, No 2.
9. Stolzenberg, Jurgen(2006) "Terrorism, War, and Peace", *Florianópolis*, Vol.5, No.1
10. Stewart, Kerry (2011) "Just War and Terrorism: A New Policy Perspective", Digest of Middle East Studies, Volume 20, Issue 2, Fall 2011, *Policy Studies Organization*, DOI: 10.1111/j.1949-3606.2011.00095.x
11. Wagner, Richard V. (2006) "Terrorism: A Peace Psychological Analysis", *Journal of Social Issues*, Volume 62, Issue 1, DOI: 10.1111/j.1540-4560.2006.00444.x
12. Zakzouk, IM. (2004) *On Philosophy, Culture and Peace in Islam*, shrokintl Bookshop
13. Counter-Terrorism Strategies, Human Rights and International Law: Meeting the Challenges, Final Report Poelgeest Seminar, 17 April 2007, p. 2, <http://media.leidenuiv.nl/legacey/Final%20Report%20%20Counter%20%20Terrorism%20%20Seminar.pdf>.
<http://www.mehrnews.com/fa/nesdetail.aspx?NewsID=850200>

– منابع اینترنتی

– <https://www.theatlantic.com>